### بازخوانی پرونده جنایت های هولناک کودکان در دهه نود

# رد مرگ بر تن قربانیان کوچک

**[مریم رضاخواه| شهروند]** آتنا، بنیتا، ندا، ستایش، ژیار، نیکان، بردیا و سلاله و ده‌ها کودک دیگر در دهه ۹۰ قربانی شدند. یکی مادرش قاتل بود، دیگری پدرش. نامادری و ناپدری، عمو، زن‌عمو، مرد آشنا و پسر مجنون از دیگر نقش‌آفرینان جنایت این دهه بودند. قاتلانی که خود نیز قربانیان دیگری بودند؛ قربانیان فقر، حاشیه‌نشینی، تجاوز، مواد مخدر اما با بی‌رحمی تمام کودکان را نشانه گرفتند. کودکان بی‌دفاعی که نه در غرب و شرق، نه شمال و جنوب از حمله این جانیان در امان نبودند. جنایت‌های خشنی که تا مدت‌ها ذهن و فکر مردم را درگیر کرد. البته بخشی از این قتل‌ها در رسانه‌ها بازتاب داشته است. سال ۹۶ اوج این جنایت‌ها بود. ۳۰ کودک‌کشی در آن سال نقطه عطف این قتل‌ها بود. آتنا، آنیتا، بنیتا، کیمیا، اهورا، زهرا، ملیکا، آیلین، ابوالفضل، ستایش، هاتف، فاطمه، رقیه و محمد مهم‌ترین قربانیان کوچک سال ۹۶ بودند. با وجود روند نزولی قتل‌های کودکان در سال ۹۶، جانیان کودک‌کش در این دهه کم نبودند. دردآورترین مرگ را به زور به سرنوشت‌شان سنجاق کردند و به جای دویدن و هیاهوی کودکانه با همبازی‌هایشان تیزی چاقو را با وحشت به تماشا نشستند. پدرها و مادرها در رأس هرم کودک‌کشی‌ها قرار دارند. رتبه بعدی به نامادری‌ها و ناپدری‌ها اختصاص دارد. آشنایان و نزدیکان در رده بعدی این جنایت‌ها هستند. آخرین جایگاه این هرم متعلق به غریبه‌ها است. مردان و زنان ناشناسی که برای سرقت یا تجاوز، عروسک‌های شهر را هدف نیت سیاه خود قرار دادند.

## تینا و مبینا قربانی خشم پدر

در نخستین روز آذر ماه سال ۹۰ پدر معتاد پس از آتش زدن دو دختر خردسالش خود را به آتش کشید.

حدود ساعت ۸ شب یکم آذر سال ۹۰ وقوع یک مورد آتش‌سوزی در خیابان قلعه‌مرغی به مأموران پلیس اطلاع داده شد. پس از حضور مأموران در صحنه آتش‌سوزی و اطفای حریق مأموران کلانتری در یکی از اتاق‌ها با سه جسد سوخته روبه‌رو شدند. پس از بررسی‌های بیشتر مشخص شد یکی از اجساد مرد و دو جسد دیگر دو دختربچه بودند.

در ادامه با تحقیقات تخصصی هویت احمد، صاحبخانه و دو دخترش به نام‌های تینا نه ساله و مبینا هشت ساله شناسایی شد. با اعلام نظر کارشناسان آتش‌نشانی مبنی بر حریق عمدی تحقیقات وارد فاز جدیدی شد.

مأموران با بررسی سابقه زندگی احمد متوجه شدند او هشت ماه پیش در جریان درگیری با همسرش او را به شدت مجروح کرده و سپس اقدام به خودزنی کرده بود اما احمد با ابراز پشیمانی و دادن

تعهد قول داده بود دیگر همسر و فرزندانش را مورد آزار و اذیت قرار ندهد.

مأموران کلانتری با مراجعه به همسایه‌ها و پرس‌وجو متوجه شدند هرگاه همسر مرد معتاد سرکار بوده است او با فحاشی کودکان را مورد ضرب و شتم قرار می‌داده است.

مأموران در ادامه با بررسی اجساد متوجه شدند مرد جنایتکار برای اینکه فرزندانش هنگام آتش‌سوزی فرار نکنند یکی از کودکان را میان پای خود قرار داده و دست کودک دیگر را محکم نگه داشته است. همچنین دو کودک جزو دانش‌آموزان ممتاز بودند.

پس از آن پلیس و بازپرس جنایی وارد عمل شدند و رئیس کلانتری ابوذر اعتیاد مرد به ماده مخدر شیشه را عامل اصلی این جنایت جنون‌آمیز دانست اما مادر مبینا و تینا اعتیاد شوهرش را تکذیب کرد. «من و احمد سال ۷۷ ازدواج کردیم. اوایل مشکلی وجود نداشت. شوهرم آن زمان در یک شرکت کار می‌کرد اما تعدیل شد. از آن به بعد من هزینه زندگی‌مان را تأمین می‌کردم. مشکل بزرگ‌تر این بود که شوهرم توقع داشت تمام حقوقم را به خانواده‌اش بدهم.»

به گفته مادر دو کودک اختلافات خانوادگی همچنان ادامه

داشت تا اینکه سال ۸۹ احمد با چاقو به او حمله کرد. «من به دادگاه خانواده رفتم و دادخواست طلاق دادم اما قاضی به من گفت چون شوهرم معتاد نیست نمی‌تواند حضانت بچه‌ها را به من بدهد و دخترانم باید نزد پدرشان بمانند. منصرف شدم.»

«شوهرم شب پیش از حادثه موتورش را به همراه مدارک شناسایی و کارت عابربانکی که یارانه‌هایمان به آن واریز می‌شد به همراه رمز کارت به خانواده‌اش تحویل داد و بعد به خانه برگشت. همین نشان می‌دهد او با نقشه بچه‌ها را کشت. احمد نه جنون داشت و نه معتاد بود او فقط به دلیل مشکلات خانوادگی این کار را انجام داد و من پرونده را تا آخر پیگیری می‌کنم. دو دخترم بی‌گناه جان باختند. مرگ در آتش و زنده‌زنده سوختن به حدی دردناک است که اصلا نمی‌شود آن را توصیف کرد.»

## قاتلان پسربچه‌ها

پرونده قتل دو پسربچه هفت ساله که به فاصله یک هفته از همدیگر در شهرستان بهارستان در استان تهران ناپدید

شده بودند، یکی از پرونده‌های تلخ سال ۹۱ بود. وقتی جسد پسربچه‌ای به نام امیرمهدی اواخردی ۸ سال پیش در خرابه‌ای در نزدیکی محل زندگی‌شان پیدا شد، از همان زمان مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای کشف راز این جنایت شروع کردند. یک هفته بعد پسربچه دیگری به نام امیرعلی ناپدید شد. همزمان مأموران دو نفر را به عنوان مظنون در این پرونده دستگیر کردند.

متهمان در ابتدا اظهار بی‌گناهی می‌کردند اما در ادامه به قتل نخستین پسربچه اعتراف کردند. آنها که معتاد، سابقه‌دار و کارتن‌خواب بودند ادعا داشتند به علت اختلافی که یکی از آنها با پدر امیرمهدی داشت دست به قتل پسربچه زده بودند. با این حال پلیس که احتمال می‌داد آنها در جنایت دوم نیز نقش دارند تحقیق از آنها را ادامه داد تا اینکه بعد از ۳۳ روز جسد دومین پسربچه ناپدیدشده پیدا شد و متهمان به این جنایت نیز اعتراف کردند.

## قتل دوقلوها برای عتیقه

یکی از هولناک‌ترین جنایت‌ها در اردیبهشت سال ۹۲ رقم خورد. در این پرونده دو برادر دوقلو قربانی معامله پدرش با یک قاچاقچی عتیقه شدند. اصغر سی و یک ساله اردیبهشت

۹۲ به بهانه فروش اشیای عتیقه مرد جوانی را به همراه همسر و دو پسر کوچکش به شهرستان بیجار کشاند و در نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده همه خانواده را به قتل رساند. او ۶۰ میلیون تومان را هم به سرقت برد. تحقیقات میدانی نشان می‌داد که مرتضی پدر دوقلوها کارمند یکی از شعب بانک است که پس از فراغت از کار در یکی از بنگاه‌های معاملات ملکی شهر مشغول به فعالیت است. این فرد خرید و فروش عتیقه نیز انجام می‌داد.

متهم پس از دستگیری در بازجویی‌ها گفت: «پس از قتل مرتضی و همسرش دو فرزند دوقلوی آنها را در صندوق عقب خودرو گذاشتم و به سمت قزوین حرکت کردم. در نزدیکی قزوین خودرو را متوقف کردم و پس از بازکردن صندوق عقب با جسد دو پسربچه روبه‌رو شدم که خفه شده بودند. جسد آنها را کنار جاده رها کردم و متواری شدم.

این قاتل در ادامه در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به اعدام محکوم شد.

## انتقام‌گیری تلخ

اما قتل امید به دست ناپدری‌اش در سال ۹۳ از تلخ‌ترین جنایت‌های این دهه بود.

روز هفدهم اردیبهشت ۹۳ پدر ناتنی یکی از دانش‌آموزان دبستان هیأت امنایی شیردل عبداللهی دهکی واقع در خیابان نادری شمالی قزوین، پسر هشت ساله خود را در دبستان به قتل رساند.

ناپدری امید با کلاه‌کاسکت وارد مدرسه شده بود و امید را در سرویس بهداشتی به قتل رسانده بود. وقتی همکلاسی‌های امید در سرویس بهداشتی مدرسه با جسد بی‌جان دوست‌شان مواجه شدند، به سرعت مسئولان مدرسه در جریان قرار گرفتند، اما قاتل بِی‌رحم از محل حادثه فرار کرده بود.

پس از آن ماموران پلیس و امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند، اما شدت جراحات امید به حدي بود که نمي‌شد براي نجات جانش کاري انجام داد و او جان سپرد.

با مرگ امید، پرونده قتل گشوده و تحقیقات براي شناسايي و دستگيري متهم آغاز شد و در همین حین فردي با مراجعه به آگاهي به قتل پسربچه اعتراف کرد.

کارآگاهان در جریان تحقیقات تخصصي که انجام دادند فهمیدند امید و مادرش با هم زندگی می‌کردند. زن جوان مدتي قبل با قاتل آشنا شده و با اینکه مرد میانسال متأهل بود، به مادر امید پیشنهاد ازدواج داده و او را پنهاني به عقد موقت خودش درآورده است. اما همسر اولش از این موضوع مطلع شده و اختلافاتي به وجود می‌آید که به دنبال آن مادر امید که از رفتارهاي متهم به ستوه آمده بود، از او جدا مي‌شود. اما جدایی پایان این رابطه نبود. مرد دست‌بردار نبود.

قاتل بي‌رحم در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: «کشمکش‌ها میان من و مادر امید ادامه داشت تا اینکه تصمیم گرفتم از او

انتقام بگیرم. به همین علت در روز حادثه با او تماس گرفتم و گفتم کاري مي‌کنم که تا آخر عمر پشیمان بشوي.»

خودم را به در مدرسه رساندم و منتظر شدم تا براي بردن پسرش بیاید و من به او چاقو بزنم، اما او نیامد و من هم تصمیم گرفتم پسرش را به قتل برسانم.

این قاتل بی‌رحم ۷ صبح روز سی‌ام مرداد ماه سال ۹۳ به دار مجازات آویخته شد.

## کودکان بی‌پناه سال ۹۴

سال ۹۴ هم کودکان زیادی به قتل رسیدند و بیشتر از کسانی زخم خوردند که روزی پدر و مادر صدایشان می‌کردند. آنان کارد بی‌رحمی را بر گلویشان نشاندند و شاهرگ زندگی‌شان را بریدند. نمی‌دانستند چرا باید بمیرند اما مردند. برایشان خط و نشان کشیدند و زور بازویشان را حواله تن نحیف کودکان بی‌پناه کردند.

بررسی اخبار جنایی منتشرشده در سال ۱۳۹۴ حکایت از آن دارد که دست کم ۲۱ کودک در فاصله اول فروردین تا بیست‌ونهم اسفند این سال به قتل رسیده‌اند؛ ۱۰ پسر و ۱۱ دختر.

نجمه و نغمه مقتولان خردسال

دو جنایت تکان‌دهنده در سال ۹۴ رخ داد؛ یکی در بازارچه شاپور دیگری در نعمت‌آباد. سپهرده ساله که برای خرید از خانه خارج شده بود، به وسیله پسری معتاد به شیشه به طرز هولناکی در بازارچه شاپور به قتل رسید. نقش اصلی جنایت نعمت‌آباد را هم پدر شیشه‌ای ایفا کرد. او در سناریوی وحشتناک همسر و فرزندان خود را به قتل رساند و بر سر اجساد آنها مواد مخدر مصرف کرد.

## داغ لیلا

روزی که حادثه قتل سپهر اتفاق افتاد، روزی شبیه همه روزهای گرم و طولانی آخرین روزهای شهریور ماه بود. ظرف غذای ناهار ظهر در انتظار نانی بود که قرار بود سپهر از نانوایی سر کوچه بخرد. لیلا پول نان را کف دست پسرش گذاشت و رفت تا میز غذا را بچیند. اما چند دقیقه بعد خود را در میان جمعیت کوچه دید که بر بالین جسد پسرش حلقه زده بودند. گلوی سپهر را بریده بودند و پسرک غرق در خون روی آسفالت خیابان برای همیشه خوابیده بود.

۷۲ ساعت پس از این جنایت، متهم به قتل در یکی از بوستان‌های جنوب شهر دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. مرد سی‌وپنج ساله معتاد به شیشه در روزهای بازجویی همه ماجرا را در چند جمله گفت و از آن پس لب به سکوت گذاشت. چند سالی است که تحت درمان روانپزشک هستم و شیشه مصرف می‌کنم. در روز جنایت صدایی به من گفت چاقو را از آشپزخانه بردار و به خیابان برو وقتی به خیابان رفتم سپهر کوچولو را آنجا دیدم او را در رویاهایم قبلا هم دیده بودم همان صدا به من دستور داد او را بکشم. در حالی که به نظر می‌رسید اشکان عامل جنایت تعادل روانی ندارد، به پزشکی قانونی معرفی شد.

اعضای کمیسیون پنج نفره پزشکی ابتدا سلامت عقلی او را تأیید کردند اما در مرحله بعد نظر دادند که این جوان مبتلا به بیماری روانی است.

پس از گذشت بیش از هفت ماه از سربریدن کودک ده ساله زیر بازارچه خیابان وحدت اسلامی، کمیسیون ویژه پزشکی قانونی، سلامت روحی و روانی اشکان قاتل سی‌وپنج ساله را تأیید کرد.

## پدر بی‌رحم

سوم آذر ماه بود که پلیس با گزارش همسایه‌های ساختمانی در محله نعمت‌آباد در جریان قتل عام خانوادگی قرار گرفت. با بررسی‌های اولیه مأموران مشخص شد جسد زن بیست ساله‌ای داخل چند پتو پیچیده شده است و داخل یک کمد قرار دارد و